

عالی و فوق العاده باش
تا تورا نادیده نگیرند

کال نیوپورت

www.ketab.ir



انتشارات کتابیار



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

www.ketab.ir

-
- سرشناسه : نیوپورت، کال
Newport, Cal
- عنوان و نام پدیدآور: عالی و فوق العاده باش تا تو را نادیده نگیرند/ کال نیوپورت: مترجم ملیکا رفیعی.
- مشخصات نشر: کاشان: کتابپار، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری: ۲۱۰ ص.
- شابک: ۵-۵۵-۵۶۶۰۰۶۰۰۹۷۸
- وضعیت فهرست نویسی: فبا
- یادداشت: عنوان اصلی: So good they can't ignore you : why skills trump passion in the quest
- عنوان دیگر: for work you love, 2012.
- موضوع: Vocational guidance
- موضوع: شخصیت و شغل
- موضوع: Personality and occupation
- شناسه افزوده: رفیعی، ملیکا، ۱۳۶۳ - مترجم
- شناسه افزوده: HF۵۳۸۱
- رده بندی کنگره: ۱/۶۵۰
- رده بندی دیویی: ۷۶۰۹۳۵۰
- شماره کتابشناسی ملی: فبا
-



انتشارات کتابیار

نام کتاب: عالی و فوق العاده باش تا تو را نادیده نگیرند
 مؤلف: کال نیوپورت
 مترجم: سبکا رفیعی
 ویراستار: تحریریه نشر کتابیار
 طراح جلد: آتلیه نشر کتابیار
 چاپ و صحافی: چاپ نقطه
 چاپ / شمارگان: اول ۱۴۰۰ / ۱۰۰۰ نسخه
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۶۰-۵۵-۵
 کلیه حقوق این اثر برای نشر کتابیار محفوظ است.
 ارتباط با مرکز بخش: ۰۲۱-۶۶۴۵۵۰۴۳

هرگونه کپی برداری، برداشت و
 اقتباس از تمام یا قسمتی از این اثر،
 منوط به اجازه کتبی ناشر می باشد.

آدرس: کاشان، بلوار کشاورز، خیابان نهال ۲۸، کوچه شهید شاهمیری، پلاک ۲۰
 مرکز بخش: تهران، خیابان جمهوری، خیابان دوازدهم فروردین جنوبی، پلاک ۱۷۰، واحد ۱۶
 قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

فهرست

۷.....	مقدمه
۱۷.....	قانون اول: دنبال اشتیاق تان نروید
۱۸.....	فصل اول: فرضیه اشتیاق شغلی
۲۵.....	فصل دوم: اشتیاق شغلی به ندرت حاصل می گردد
۳۲.....	فصل سوم: اشتیاق شغلی ایده خطرناکی است
۳۹.....	قانون دوم: عالی و شگفت انگیز باش تا بتوانی از تو بگذرند
۴۰.....	فصل چهارم: رویکرد مهارت محور
۵۱.....	فصل پنجم: قدرت و تأثیر سرمایه شغلی
۶۴.....	فصل ششم: سرمایه گذاری تجاری
۷۸.....	فصل هفتم: کسب تخصص و مهارت
۹۹.....	خلاصه قانون دوم
۱۰۱.....	قانون سوم: اجتناب از ترفیع درجه (یا اهمیت اعمال کنترل)
۱۰۲.....	فصل هشتم: اکسیر شغل ایدئال و رؤیایی

۱۱۰.....	فصل نهم: اولین مخمصه اعمال کنترل
۱۱۵.....	فصل دهم: دومین مخمصه کنترل
۱۲۴.....	فصل یازدهم: فائق آمدن بر مخمصه های مدیریت و کنترل
۱۳۰.....	خلاصه قانون سوم
۱۳۳.....	قانون چهارم: افکار کوچک، اعمال بزرگ (یا اهمیت هدف گذاری)
۱۳۴.....	فصل دوازدهم: زندگی هدفمند و معنادار پردیس ثابتی
۱۴۰.....	فصل سیزدهم: بهاروت لازمه هدف گذاری است
۱۵۰.....	فصل چهاردهم: گام های کوچک لازمه هدف گذاری
۱۶۱.....	فصل پانزدهم: نقش بازاریابی در شناسایی اهداف
۱۷۱.....	خلاصه قانون چهارم
۱۷۳.....	نتیجه گیری
۱۹۳.....	خلاصه پروفایل شغلی
۲۰۵.....	واژه نامه

مقدمه

شور و اشتیاق راهب شدن

دنبال کردن شور و اشتیاق ایده خطرناکی است.

توماس در آخرین مکانی که بود به این حقیقت دست یافت. او مسیری را به طرف جنوب کوه ترمپر^۱ از میان جنگل بلوط طی کرد. این یکی از مسیرهایی بود که از ملک ۲۳۰ جریبی صومعه بودایی ذن در کتس کیل^۲ که در سال ۱۹۸۰ تأسیس شده بود، عبور می کرد. او می بایست به مدت دو سال برای راهب شدن آموزش می دید. وقتی یک سال قبل به صومعه راه یافت، به آموزش که سال ها به دنبال آن بود رسیده بود. او دنبال اشتیاقش رفته بود و انتظار خوشبختی داشت. او همان طور که آن روز عصر در جنگل بلوط ایستاده بود زیر گریه زد: رؤیا و خیالش از هم فروپاشید.

وقتی اولین بار توماس را در یک کافی شاپ در کمبریج، ماساچوست ملاقات کردم به من گفت: «من همیشه از خودم می پرسم زندگی چه مفهومی دارد؟» تا آن موقع چندین سال از حقیقتی که در کتس کیل کشف کرده بود، می گذشت؛ اما مسیری که او را به این نقطه رساند واضح و شفاف بود و او دلش می خواست تا درباره آن صحبت نماید. انگار با بازگویی و افشای آن از شر گذشته تلخ و دشوار خلاص می شد.

توماس بعد از دریافت مدرک لیسانس در فلسفه و الهیات و مدرک فوق لیسانس

1. Tremper

2. Catskill

در دین شناسی تطبیقی به این نتیجه رسید که فرقه مذهب بودایی کلید زندگی معنادار و هدفمند است. اوبه من می گفت: «بین فلسفه که رشته مطالعاتی من است و بودیسم نقطه اشتراک وجود دارد. اجازه دهید برای پاسخ به این سؤالات عمده از مذهب بودیسم کمک بگیریم.»

توماس بعد از فارغ التحصیلی نیاز به پول داشت. برای همین شغل های گوناگونی را امتحان کرد. برای مثال به مدت یک سال در شهرگومی^۱ به تدریس زبان انگلیسی مشغول شد. زندگی در شرق آسیا ممکن است برای شمار زیادی هیجان انگیز باشد؛ ولی توماس بعد از مدتی شور و اشتیاقش را از دست داد و همه چیز برای او عادی شد. توماس با اطمینان برای من تعریف می کرد: «مردان هر هفته جمعه شب در چادرهای مسافرتی کنار هم جمع می شدند و تا دیروقت سوگو^۲ می نوشیدند. در طول زمستان از این چادرها واز همه مردانی که سوگو می نوشیدند بخار بیرون می آمد. آنچه بیشتر از همه در خاطر من مانده است این است که صبح روز بعد خیابان ها پر از استفراغ خشک شده بود.»

توماس برای تشخیص و جست و جوی بیشتر به چین و تبت سفر کرد و در میان سفرهایش مدتی را هم در جنوب آفریقا گذراند؛ قبل از اینکه برای یک کار در بخش ثبت داده ها به لندن برود که البته کار کسل کننده ای بود. در طول این دوره متوجه شد که کلید خوشبختی او دنبال کردن فرقه بودیسم است. به مرور زمان زندگی به عنوان یک راهب، رؤیای او شد. به من توضیح می داد: «رؤیای من زندگی در صومعه ذن و پیروی از مذهب و آموزه های ذن است. به همین ترتیب رؤیای من به حقیقت پیوست.» سایر کارهای من به خاطر این رؤیا تحت الشعاع قرار گرفت. اوبه دنبال علاقه خود رفت.

اولین بار در لندن بود که توماس با صومعه ماننین ذن آشنا شد و عاشق آنجا شد.

۱. Gumi: شهر صنعتی در جنوب کره

۲. Sujo: نوعی نوشیدنی که از تخمیر برنج به دست می آید و طعم آن به وودکا نزدیک است.